

پیش‌خواران

بانوی چریک انقلاب اسلامی

در آیین‌ه خاطرات خویش گفته

از تبار تلاش ورنج!

■ محمدرضا کائینی



اثری که در این مجال به شما معرفی می‌شود، در زمره خوش‌خوان‌ترین کتاب‌ها در حوزه تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی است. خاطرات بانو مرضیه حدیدچی (دیباغ)،

روایت تلاش و رنج زنی مقاوم است که در پی ایمان و آرمان خویش روان گشته و فراز و فرودهای فراوانی را تجربه کرده است. این دفتر، توسط محسن کاظمی تدوین شده و انتشارات سوره مهر آن را روانه بازار کتاب ساخته است. تدوینگر در بخشی از دیباچه خویش بر این مجموعه چنین آورده است: «اول بار مطالعه ۱۳ ساعت مصاحبه خانم دیباغ درباره خاطرات زندگی و دوران مبارزه علاقه‌مندم کرد تا به جست‌وجوی نکات بیشتری از زندگی وی بروم. سه یا چهار بار دیگر، آن ۱۳ ساعت را به اضافه مصاحبه دیگری از وی در مجله پیام زن، در شماره‌های ۱۱، ۱۴، ۱۵ و ۱۸ تحت عنوان پیام سرگذشت را به دقت مطالعه و یادداشت‌برداری کردم. به‌رغم نکات مثبت، نواقص و کاستی‌هایی را دیدم که لازم بود برای رفع و تکمیل آن اقدام کنم. برای بار نخست، پس از چند تماس تلفنی، موفق شدم در بهمن سال ۱۳۸۷ و در دفتر جمعیت زنان جمهوری اسلامی، با خانم دیباغ دیدار و گفت‌وگو کنم. هدف از این جلسه، ترغیب و جلب رضایت خانم دیباغ برای انتشار خاطرات وی بود. او نیز با بلند نظری پذیرفت و قرار شد نواقص و کاستی‌های خاطرات نیز مشخص و سؤالاتی برای آن طراحی و ارائه شود تا وی خارج از چارچوب مصاحبه و گفت‌وگو، در منزل به آنها پاسخ بگوید. این راه برای او راحت‌تر بود. خانم حدیدچی طی پنج ساعت به حدود ۳۰۰ سؤال پاسخ گفت و بر بسیاری



زنده‌یاد بانو مرضیه حدیدچی (دیباغ)

از نقاط خطر کاراتش، نور تابانید. اما همچنان خلأهایی در نام‌های اشخاص، مکان‌ها، زمان‌ها و حتی شرح پارای از مشاهدات و مواجهات وجود داشت که گریزی از برخی از آنها نبود، چراکه کثرت حوادث و رویدادهای گذر زمان بر وقایع، آن هم پس از چهار تا پنج دهه، حافظه را به تحلیل برده و دچار آفت فراموشی می‌کند. چنانکه خانم دیباغ چندین مرتبه در برابر اصرار های ما گفت اصلاً تاریخ در ذهنم باقی نمانده است! باز هم نوشتید با ذکر تاریخ. متأسفانه تاریخ را اصلاً باید محو کنید و در آن موقع، اصلاً بر ایمان زمان مطرح نبود و در برنامه‌هایمان توجهی به تاریخ نداشتیم، تمام هم و غم ما این بود که کاری انجام دهیم و به «اپیزودی» انقلاب نزدیک شویم... علاوه بر این خانم دیباغ به خاطر نداشتن اجازه و رضایت، از ذکر نام و افشای هویت برخی شاهدان مثال خاطره و عوامل در گیر در رخدادها و حوادث خودداری کرد و نیز دلیل آورد که ما در طول دوران مبارزه، با افرادی برخورد می‌کردیم که هیچ یک مجاز به تبادل اطلاعات هویتی نبودیم، چراکه اطلاعات زیاد، هنگام دستگیری و در بازجویی، دردسر ساز و مشکل آفرین بود.

تهیه عکس و سند برای کتاب، از بزرگ‌ترین مشکلات موجود بر سر راه بود. خانم دیباغ خود گفت عکس‌ها، اوراق هویت و اسنادی را که در اختیار انجام دهیم و باز زحمت بسیاری آنها را حفظ و حراست کرده بود، به فردی امانت داده بود تا از آن کپی بردارد! گویا او نیز برای ضبط خاطرات خانم دیباغ اقدام کرده بود، متأسفانه پس از چندی، وی با استرداد عکس‌ها و اوراق و اسناد سرباز می‌زند و بعد از پیگیری‌های زیاد خانم دیباغ می‌گوید شما به من عکس و سندی نداده‌اید و دلیل و مدرک و شادی هم بر این ادا ندارید، می‌توانید شکایت هم بکنید... با این وصف به مراکز ذی‌ربط مراجعه شد، اما تنها توفیق در دریافت چند قطعه عکس بود و بس!...»

■ **دکتر یعقوب توکلی**

گفتاوردی که در پی می‌آید، درصدد معرفی انواع تک‌نگاری‌های تاریخی بانظر به آسیب‌های آن بوده است. دکتر یعقوب توکلی، پژوهشگر تاریخ معاصر در این سخنرانی، از تجربیات طولانی خویش در عرصه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی نیز بهره گرفته است. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■■■■

زندگینامه‌نویسی در چند شکل، قابل ارزیابی و توجه است. اولین مدلی که در زندگینامه‌نوسی قابل اعتنا است، تک‌نگاری‌ها هستند.

■ **تک‌نگاری معطوف به شخصیت**

متون و تک‌نگاری‌هایی که به صورت یک اثر واحد در مورد یک شخصیت می‌نویسیم، می‌تواند روایی، موضوعی یا تحلیلی باشد. تک‌نگاری‌های روایی، از قبیل کتاب‌های: «امام علی»، «منتهی الامال»، «زندگینامه حاج آقا نوالله نجفی» و «باز یگران عصر طلایی» هستند. سعی می‌کنم تا از هر طیف، یک نمونه را مثال بیاورم. اینگونه تک‌نگاری‌ها، حوادث و اسناد ترکیبی را ذکر می‌کنند و عمدتاً براساس روایت هستند.

گاهی تک‌نگاری‌ها بر اساس تحلیل قضا یا هستند. یعنی ما برای روایت زندگی یک شخصیت، نقش، موقعیت، زمان، مکان و عملکرد او را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. مثل کتاب «اسرار الشهاده» مرحوم فاضل دربندی درباره حضرت سیدالشهدا(ع) که تحلیل حادثه عاشورا و منابع آن است و همچنین «حیات سیاسی امام رضا» که در زمره تک‌نگاری‌های تحلیلی، قابل ارزیابی است. گاهی پرداخت شما به یک شخصیت، براساس یک موضوع خاص مربوط به آن شخصیت است. مثلاً اساس کتاب «امام علی، صدای عدالت انسانی» بر تجزیه و تحلیل مبانی عدالت در رفتار آن حضرت و مقایسه آن با مفاد و بیانه‌های حقوق بشر است. روش او در این کتاب، تحلیل این موضوع خاص بوده و خیلی وارد جزئیات زندگی ایشان نشده است.

■ **تک‌نگاری‌های ترکیبی**

گاهی تک‌نگاری‌ها به صورت تک‌نگاری‌های ترکیبی در می‌آیند. یعنی شما درباره یک شخصیت می‌نویسی یا یک شخصیت درباره خودش توضیح می‌دهد، اما در ذیل روایت آن شخصیت، شما انواع و اقسام پاروقی‌ها و زندگینامه‌ها را به صورت پاروقی می‌آورید. اسم این تک‌نگاری‌ها را تک‌نگاری‌های ترکیبی گذاشته‌ایم. محورشان یک شخصیت است، اما حوال این شخصیت، ممکن است شما دهها شخصییت دیگر را هم معرفی کنید. مجموعه کتاب‌هایی که طی سال‌های پس از

انقلاب، درباره شخصیت‌های انقلاب منتشر شده تا حدود زیادی از این ویژگی برخوردارند. مثلاً کتاب خاطرات علی امینی یا جهانگیر تفضلی را که بنده تدوین و تحقیق کردم، محور امینی و تفضلی و خاطرات آن دو ست، ولی در حول و حوش آن، دهها زندگینامه دیگر را نیز آورده‌ام. با کتاب خاطرات احمد احمد هم به همین صورت تدوین شده است. مجموعه کتاب‌های تاریخی پس از انقلاب که معطوف به زندگینامه‌ها یا خاطرات هستند تا حدود زیادی از این شیوه استفاده کرده‌اند.

■ **تک‌نگاری‌های خودنوشت**

در کنار این مدل از زندگینامه‌ها، زندگینامه‌های خودنوشت را هم داریم. خودنوشت‌ها را در آثار مختلف می‌توان دید، مثلاً «زندگی طوفانی»، «حیات یحیی» و «سیاحت شرق»، از همه اینها جالب‌تر که شاید خیرش هنوز به دوستان نرسیده باشد، زندگی خودنوشت شهید آیت‌الله سید حسن مدرس است، در زمانی که خوف زندانی بوده و مطالب زندگی خودش را به یکی از افسران زندانمری – که مأمور مستحفظ ایشان بوده– از افسران زندانمری – که مأمور مستحفظ ایشان بوده– توضیح داده و در همان دوره زندان، ایشان مفاد نگارش شده را امضا هم کرده است. این کتاب را آقای دکتر نصرالله صالحی، در انتشارات طهوری منتشر کرده‌اند یا مثلاً یادداشت‌های علم یا روزنگاشت‌های آقای هاشمی رفسنجانی، در زمره همین آثار خودنوشت قرار می‌گیرند. البته اینها را ممکن است خاطره به بنامیم، اما به واقع نویسنده در توصیف وضع و موقعیت خودش در قضا یا و حوادث مختلف بوده است.

■ **تک‌نگاری خودنوشت، اما از قلم دیگران**
در کنار اینها نوعی دیگر از زندگی‌نویسی هم اخیراً در ایران باب شده است. یعنی کسی می‌آید و خودش را جای یک شخص دیگر قرار می‌دهد و برای او زندگینامه می‌نویسد! یکی از مشهورترین کارهایی که به این شکل، در دوره قبل از انقلاب صورت گرفته است، زندگی‌نوشته‌ای است که آقای ذبیح‌الله منصوری، برای تیمور نوشت: «هنم تیمور جهانگشا» به جای تیمور ننشسته و حوادث آن زمان را تطبیق داده و برای او زندگینامه نوشته است.

جالب اینجاست که من در بسیاری از منابع دانشگاهی دیده‌ام که به این کتاب رفرنس هم داده‌اند! یکی دیگر از اینگونه کارها که مشهور هم است، کتاب «دخترم فرح» است، مربوط به فرح دیبا که در سال‌های اخیر مکرر منتشر شده است. بعد هم نمونه آن را برای تاج‌الملوک نوشتند. اخیراً این کار را برای چند تن از نوکرهای رضاشاه هم انجام داده‌اند. در بین بچه مسلمان‌های خودمان هم در کتاب «خسرونت قانونی» که برای



زندگینامه‌نویسی در تاریخ معاصر ایران، شیوه‌ها و آسیب‌ها

زندگینامه‌نگاری داستانی

مجال استناد را ضیق کرده است

شهادی مؤتلفه نوشتند، آقای کاظم‌مقدم برای مر حوم صادق اماتی، یک زندگی خودنوشت نوشته است، اما ما هر چه گشتیم، دست‌نوشته ایشان را پیدا نکردیم! اگر واقعاً شما داستان نوشته‌اید، بنویسید که داستان نوشته و از این زبان استفاده کرده‌ایم، ولی ادعا شده که این زندگینامه خودنوشت ایشان هست!

■ **تک‌نگاری فرهنگ‌نامه‌ای**

مدل دیگر زندگینامه‌ها، زندگینامه‌های فرهنگ‌نامه‌ای است. از قدیمی‌ترین آثار اینچنینی در دنیای اسلام «الاسد الغابه» است که در واقع براساس تاریخ‌نگاری سنی مذهب نوشته شده و صحابه و علمای اهل تسنن جهان اسلام را در آن گردآوری کرده‌اند. یکی از غنی‌ترین نگاه بی‌طرفانه، در یک مجموعه «سیاحت شرق» است که در این مدل تدوین شده است و متأسفانه در بین ما شیعیان چندان هم مورد اعتنا واقع نشده، کتاب «اعیان الشیعه» از مر حوم علامه سیدمحسن امین عاملی است. کتابی بسیار غنی و به لحاظ سبک نگارش و گردآوری ادبیات هستند، یکی از بهترین ماخذ است. ما در فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ، از این روش خیلی استفاده کردیم. بنده در مقدمه‌ای که بر کتاب «فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ» نوشته‌ام، نوع استفاده از منابع و بهره‌گیری از آنها و حتی مشاوره‌های اخذ شده را در حدود ۲۰ صفحه آورده‌ام. در این میان باز شما مثلاً کتاب «رجال ایران» را می‌توانید به عنوان نمونه‌ای از آثار فرهنگ‌نامه‌ای ببینید. مجموعه «رحانه الادب» در باب زنان مشهور و کارآمد ادبیات انقلاب اسلامی کار کرده است را هم به عنوان یک مدل فرهنگ‌نامه‌ای می‌شود دید و البته همین فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ هم از همین گونه است. مجموعه «پخانه الادب» در باب زنان مشهور و کارآمد در تاریخ اسلام هم در این رده جای می‌گیرد.

■ **تک‌نگاری مبتنی بر مواضع نویسنده**

گاهی زندگینامه‌نویسی، براساس موضع نویسنده است. یعنی شما نسبت به جمعی از افراد در جامعه یا اعتقاد دارید یا انتقاد دارید و این انتقاد و اعتقاد، مبنای نگارش زندگینامه شده است. حالا در اعتقاد، گاهی رویکرد انتقادی اثر کم‌رنگ می‌شود و عمدتاً به صورت زندگینامه‌های تمجیدی در می‌آیند. مثلاً «هربان مشروطه» اثر ابراهیم صفایی را که می‌خوانید، کاملاً تمجیدی است، یا کتاب «جلال و شکوه شهانوی ایران». یا کتاب دیگری که خانم لسللی و لانگ آمده بود و پول مفصلی هم به او داده بودند که در وصف شاه بنویسد. علم در یادداشت‌هایش می‌نویسد: ۵۰ هزار دلار پیش پرداخت دادم تا ایشان بیاید و با شاه خانواده‌اش مصاحبه بگیرد و درباره اینها بنویسد. یا کتاب «قوام‌السلطنه» و کتاب «معمای هویدا» اینها



یعقوب توکلی، چرخ‌تاریخ معاصر

د

مهم‌ترین نکته‌ای که در نوشتن آثار مستند باید به آن توجه کنیم این است که نوشتن و خواندن این دست از پژوهش‌ها بسیار سخت است. در کنار نوشتن یک متن سخت، ما باید دائماً به فواید و آثار بلندمدت آن توجه کنیم. حواسمان باشد که اگر ۴۰۰ سال دیگر هم کسی این کتاب را خواند، نگویید این آدم چند روزی به فلان شهر جنوبی ایران رفته و تحت عنوان سفرنامه یا تک‌نگاری، گزافه گفته است!

همه در زمره ادبیات تمجیدی هستند. یعنی نویسنده آن را نوشته تا از شخص و مترجم مورد نظرش ستایش کند و نقش او را مثبت جلوه دهد و در واقع پیرایه‌هایی که او فکر می‌کند به قهرمان اثر بسته شده را بزداید و یک چهره مثبت را از او معرفی کند.

■ **تک‌نگاری تنقیدی**

گاهی زندگینامه‌ها، تنقیدی هستند و براساس تخطئه سوزه‌نوشته می‌شوند. مثلاً کتاب «معاویه، سر دست‌تهپکاران عالم»، سیاست‌ها، روش‌ها و کارنامه معاویه را تجزیه و تحلیل کرده و براساس انتقادی که نسبت به معاویه دارد، زندگی او را معرفی کرده است. یا کتاب «من حکم می‌کنم» در مورد رضاخان هم یک متن تنقیدی است. یعنی از دل این کتاب و به طور طبیعی، نسبت به رضاخان انتقاد درمی‌آید و در نهایت، انتقادات نویسنده به خواننده منتقل می‌شود. مجموعه کتاب‌های «هنمه پنهان» که مؤسسه کیهان منتشر کرده، از همین قبیل است. مجموعه «معماران تباهی» این مؤسسه هم باز در مجموعه ادبیات تنقیدی قرار می‌گیرند، البته در همین زمره، خود من هم دو جلد کار کردم، یکی در باره امیر اسدالله علم و دیگری در حالات یکی از شخصیت‌های دوره پهلوی که چون هنوز منتشر نشده است، در باره آن صحبت نمی‌کنم.

■ **تک‌نگاری بی‌طرف**

گاهی زندگینامه‌ها، ماهیتی بی‌طرف دارند. نوع فرهنگ‌نامه‌ها و دایره‌المعارف‌ها اصرار دارند تا اثبات کنند نگاه‌شان بی‌طرفانه و علمی است، گاهی هم این نگاه بی‌طرفانه، در یک مجموعه رعایت نمی‌شود و بخش‌های مختلف یک کتاب، به گونه‌ای تدوین شده که در این مدل تدوین شده است و متأسفانه در بین ما شیعیان چندان هم مورد اعتنا واقع نشده، کتاب «اعیان الشیعه» از مر حوم علامه سیدمحسن امین عاملی است. کتابی بسیار غنی و به لحاظ سبک نگارش و گردآوری ادبیات هستند، یکی از بهترین ماخذ است. ما در فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ، از این روش خیلی استفاده کردیم. بنده در مقدمه‌ای که بر کتاب «فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ» نوشته‌ام، نوع استفاده از منابع و بهره‌گیری از آنها و حتی مشاوره‌های اخذ شده را در حدود ۲۰ صفحه آورده‌ام. در این میان باز شما مثلاً کتاب «رجال ایران» را می‌توانید به عنوان نمونه‌ای از آثار فرهنگ‌نامه‌ای ببینید. مجموعه «رحانه الادب» در باب زنان مشهور و کارآمد ادبیات انقلاب اسلامی کار کرده است را هم به عنوان یک مدل فرهنگ‌نامه‌ای می‌شود دید و البته همین فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ هم از همین گونه است. مجموعه «پخانه الادب» در باب زنان مشهور و کارآمد در تاریخ اسلام هم در این رده جای می‌گیرد.

■ **تک‌نگاری روایی یا سَندّی**

شکل دیگری که باید در مدل‌های مربوط به زندگینامه به آن توجه کرد، باز از حیث نوع تنظیم مطالب است. یعنی بعضی از آثار از شکل تنظیم مطالب آن می‌توانیم ارزیابی کنیم. گاهی تنظیم مطالب، با رویکرد روایی است، مثل کتاب «حدیث بیادری» که آقای حمید انصاری به نگارش درآورده است. ایشان از ابتدا شروع کرده و خیلی هم قصد ندارد مستند بنویسد یا مصاحبه‌ای را بیاورد، بلکه بر اساس مجموعه یافته‌های خودش روایت می‌کند. گاهی زندگینامه نویسی‌ها، اسنادی است و شرح حال‌ها براساس سند نوشته می‌شود. مثل مجموعه‌ایی که مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات منتشر می‌کند. اسناد را منتشر می‌کنند و شما از دل اسناد، با شخصیت آشنا می‌شوید. گاهی زندگینامه‌ها مطلقاً مصاحبه‌ای هستند. کتاب «پا به پای آفتاب» نوشته آقای حمیدرضا ستوده که درباره زندگی حضرت امام نوشته شده و جزء منابع اولیه زندگی ایشان هم است، مجموعه‌ای از مصاحبه‌هاست. با کتاب‌های آقای غلامعلی رجایی، درباره شهید آیت‌الله بهشتی و شهید رجایی، از این قسم هستند. یعنی عنصر اصلی کتاب، مصاحبه است و از اشخاص مختلف در خصوص سرفصل‌های گوناگون زندگی شهید بهشتی یا شهید رجایی، مصاحبه و خاطره گرفته و عین مطلب را نیز منعکس کرده است.

گاهی زندگینامه نویسی‌ها، تلفیقی است، تلفیقی که می‌گویم، شیوه‌ای است که خود ما در فرهنگ‌نامه‌نویسی از آن استفاده کرده‌ایم. ما معتقدیم این روش بهتر از هر شیوه دیگری جواب می‌دهد. مجموعه فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ هم از اسناد هم از مصاحبه و هم از روایت بهره برده است.

■ **تک‌نگاری معطوف به جغرافیا**

طی سالیان گذشته در ایران شاهد گرایش جدی‌تری به نوشتن تاریخ با ملاحظات جغرافیا و انواع تاریخ‌های استانی در کشور هستیم. بسیاری

از مسئولان فرهنگی در کشور در این باره دارند جوش می‌زند! البته خیلی بیشتر از این را خود ما در جاهای دیگر جوش می‌زنیم، منتها در این باره تقاضا می‌کنیم که متولیان کار مواظبت کنند تا بعضی از این حرص و جوش‌ها به تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی منتهی نشود، چون ما در بعضی استان‌های این موارد را به وجه غالبی از ناسیونالیسم می‌بینیم. گاهی ممکن است که ما ناچار شویم تا زنگ خطر را به صدا در آوریم و این مسئله، مواظبت‌های بسیار زیادی می‌خواهد.

■

اما می‌رسیم به ادبیات ایثار و شهادت. گاهی این زندگینامه‌ها به لحاظ نوع مرگ افراد تنظیم می‌شود و فرجام شهادت، مورد توجه قرار می‌گیرد. از قدیمی‌ترین‌هایشان «مقاتل الطالبیین» است که می‌توانیم به عنوان یک نمونه به آن توجه کنیم. آن دسته از بنی‌طالب، فرزندان امام علی(ع) و سادات بنی‌هاشم که در جریان قیام‌ها علیه عباسیان و امویان به شهادت رسیدند، ابوالفرج اصفهانی با آنکه سنی مذهب هم بوده، زندگی‌های آنان را نوشته است. یا زندگینامه نویسی بر این مبنای که چه کسانی قتل کردند یا در قتل‌های مختلف شرکت داشتند. یا اثر شاخص در این باره، کتاب «شهداء الفضیله» علامه شیخ عبدالحسین امینی است. مجموعه آثاری که در مورد شهدای دفاع مقدس تدوین می‌شود، براساس این روش است که ما نوع مرگ افراد و آن نقطه پایان زندگی آنان را به عنوان ملاک در نظر گرفته‌ایم و سپس می‌خواهیم که درباره دوره‌های قبل از آن بحث کنیم.

■ **فقر اسناد در تک‌نگاری‌های دهه اخیر**

اسا در بخش پایانی سخن، برای اینکه به طور جدی‌تر وارد بحث اسناد شوم، به عنوان کسی که کارم نوشتن است، از دوستان محقق خود خواهشی دارم. توجه کنیم در نگارش زندگینامه‌ها، گرفتار داستان‌سرایی و داستان‌نویسی نشویم. ببینید پر فروش‌ترین و جدی‌ترین زندگینامه‌ها، زندگینامه‌های داستانی است و سئو‌کننده زندگینامه‌هایی نوشته می‌شود که با ادعای اسناد، به شکل داستانی در آمده‌اند و این آسیب‌زاست. اینکه هر خی از کتاب‌های مربوط به دوره انقلاب یا دوره‌های پس از آن به فروش نمی‌رود در انبارها می‌ماند، بخشی از آن به دلیل تبلی‌های بخش توزیع است و این معضلی است که هر یک دوره طولانی وجود داشته و دارد. بخشی هم مربوط به این است که امثال ما ممکن است در متونی که می‌نویسیم، خیلی جدی کار نکرده باشیم! بخشی هم مربوط به این است که خواندن متن مستند،

قدری مشکل است و رغبت‌برانگیز نیست. ما در ایران تجربه‌ای داریم، به نام ذبیح‌الله منصوری تجربه تاریخ‌نگاری‌ای که رویدادها را با داستان ترکیب کرده و بسیاری از مواردی که مستند نبوده‌اند، به شکل مستند ارائه کرده است. همه دوستان شاید کتاب «محمد، پیغمبری که باید از نو شناخت» را خوانده‌اند. کتاب «امام صادق، مغز متفکر جهان شیعه»، کتاب «سینوهه»، «خواجه تاجدار» در باره آغامحمدخان قاجار، «هلک تیمور کرین را خوانده‌اند. وقتی کتاب ملاصداری هانری کرین منتشر شد، جمعی به کرین تبریک گفتند پرسید چه کسی این کتاب را ترجمه کرده؟ گفتند ذبیح‌الله منصوری. کرین گفت: «من اصلاً کتابی به نام ملاصدرا ننوشته‌ام!» الان بسیاری افراد، به کتاب «محمد پیغمبری که از نو باید شناخت» به عنوان منبع تاریخی اسناد می‌کنند، در حالی که نیست. ما بفرمایید کوهستان ویرجیو گولگی کجاست؟ اصلاً ایشان اهل کجاست؟ یا کتاب «امام صادق مغز متفکر جهان تشیع» را که حدود هزار و ۳۰۰ صفحه است ادعا کرده که یک مؤسسه خیالی به نام مؤسسه اسلامی استراستفورک و توسط جمعی از محققان مستشرق، این کتاب مفصل نوشته شده، در حالی که ۹۰ درصد از آن محصول خیال ایشان است! البته بخشی از تاریخی که در آن آمده، راست است، اما اینجا مستندبازی صورت گرفته و نه مستندسازی. جالب اینجاست که هنوز هم این کتاب چاپ می‌شود! هانری کرین نگارش کتاب ملاصدرا را انکار کرد، اما من اخیراً چاپ بیست‌وسومش را خریدم. بله شما هم اگر وارد این فضا شوید، کتاب‌تان الی ماشاءالله بر تیراژ می‌شود و این خطر، در دوره اخیر جدی‌تر شده است. شما مجموعه آثار آقای مسعود بهنود یا آقای باقر عاقلی و چهره‌هایی از این دست را ببینید، چرا پر فروش است؟ یک دلیلش این است که داستان‌های خیالی و حتی اروتیک دارد! در اینگونه نوشتارها از عنصر خیال و داستان‌سازی به راحتی استفاده شده است.

خب چرا این اتفاق می‌افتد؟ وقتی شما در نوشتن زندگینامه به بن‌بست می‌رسید، بهترین روشی که به عنوان نویسنده می‌تواند شما را نجات دهد، پرداختن به خیال است. با این روش، خواننده هم مثل شما در گیر می‌شود. جایی که متنی پیچیده می‌شود، ایجاد فضای داستانی است که درک متن را آسان می‌کند. به همین دلیل است که از چنین کتابی استقبال می‌شود. بنابراین مهم‌ترین نکته‌ای که در نوشتن آثار مستند باید به آن توجه کنیم این است که نوشتن و خواندن متن مستند، بسیار سخت است. در کنار نوشتن یک متن سخت، ما باید دائماً به فواید و آثار بلندمدت آن توجه کنیم. به این نکته توجه کنیم که اگر ۴۰۰ سال دیگر هم کسی این کتاب را خواند، نگوید این آدم چند روزی به فلان شهر جنوبی ایران رفته و تحت عنوان سفرنامه یا تک‌نگاری، گزافه گفته است! باید به واقعیت و عینیت مسائل، به طور اساسی توجه کنیم تا مطالب بسست نباشد و پایه زندگینامه‌نویسی‌های ما نلغزد.